

## کارنامه بریگاد قزاق در ایران

۴ اسفند ۱۳۹۴ ساعت ۲۱:۱۷

از جمله مهمترین ابزارهای اعمال قدرت سیاسی و نیز نظامی روسیه تزاری در ایران نیروی قزاق بود. نیروی قزاق در سال ۱۸۷۹م در دوره سلطنت ناصرالدین شاه و با همت افسران روسی تأسیس شد.

از جمله مهمترین ابزارهای اعمال قدرت سیاسی و نیز نظامی روسیه تزاری در ایران نیروی قزاق بود. نیروی قزاق که در سال ۱۸۷۹م در دوره سلطنت ناصرالدین شاه و با همت افسران روسی تأسیس شد، تا پایان حضور روسیه تزاری در عرصه سیاسی - نظامی ایران مهمترین نیروی نظامی سازمان یافته ایران محسوب می شد که در تمام آن دوران فرماندهی و مدیریت عالی آن در اختیار افسران روسی بود. این فرماندهان روسی بریگاد قزاق که مستقیماً توسط دولت روسیه برگزیده می شدند پیش از آنکه مجری دستورات دولت ایران باشند، طبق آموزه‌ها و دستورالعمل‌های دولت روسیه رفتار می کردند. ۱

با این حال تمام هزینه‌های این نیرو از سوی دولت ایران پراخت می شد، بدون اینکه در میزان این هزینه و چگونگی مصرف آن اولیای دولت ایران دخالت کنند. ۲ بدین ترتیب: «بریگاد قزاق ایران یعنی یگانه نیروی مسلح با انضباط به وسیله افسران روسی تشکیل شده بود و عملاً زیر فرمان آنها قرار داشت و آنان دستور کار خود را از مرکز فرماندهی قزاق [در روسیه] می گرفتند. بودجه این سازمان از طرف بانک استقراضی روس به حساب دولت ایران مستقیماً به فرماندهی این بریگاد پراخت می شد و دولت ایران در آن نظارت نداشت». ۳

محمدعلی سیاح محلاتی در سال ۱۳۲۳ق تعداد نیروی قزاق را حدود یک هزار تن بر می شمارد که در عین حال منظم‌ترین نیروی نظامی کشور نیز بوده‌اند.

اما به رغم اینکه تمام هزینه‌ها و مواجب آن توسط دولت ایران پرداخت می شد، تحت نفوذ سفارت روس قرار داشتند. ۴ حقوق و مواجب و هزینه‌های جاری نیروی قزاق مستقیماً از عایدات گمرکات شمالی ایران به بانک استقراضی روس واریز می شد و اولیای بانک مذکور طبق دستورات سفارت روس در تهران مواجب این نیروها را پرداخت می کردند، بدون اینکه اولیای امور دولت ایران در جریان امر قرار گیرند. م. پاولویچ درباره نیروی قزاق و دخالت‌های ناروای آن در امور سیاسی ایران چنین می نویسد: «حقوق و جیره افسران و سربازان بریگاد قزاق در دست دولت روسیه بود. فرمانده بریگاد در مسائل سیاسی با صلاح‌دید سفیر روس مقیم تهران اقدام به عمل می آورد. فرمانده بریگاد از پترزبورگ تعیین و اعزام می شد. این فرمانده حقوق خود را از بانک استقراضی و تعلیمات

لازمه را از سفارت روسیه تزاری اخذ می کرد. در یک کلمه این فرمانده عامل مستقیم حکومت پترزبورگ بود». ۵

همین نیروی قزاق بود که در جریان وقایع مشروطیت تحت فرماندهی لیاخوف مجلس شورای ملی دوره اول را به توپ بست. ۶  
بانک استقراضی که در تأمین مالی نیروی قزاق نقش اصلی را عهده دار بود برای برقراری امنیت لازم مالی و جانی خود و کارمندانش عمدتاً به همین نیرو متکی بود. ۷

علاوه بر اینکه حفاظت از شعب بانک در تهران و ایالات مختلف ایران به عهده نیروی قزاق قرار داشت، به هنگام حمل و نقل محمولات بانک ۸ و نیز مسافرت مدیران آن در داخل کشور نیز قزاقها عهده دار امنیت و حفاظت از راهها می شدند. ۹ عمده کسانی که درباره عملکرد نیروی قزاق در ایران تحقیقاتی انجام داده اند بر نقش مخرب این نیرو در حیات سیاسی - نظامی ایران تأکید ورزیده اند و بالاخص تصریح کرده اند که بانک استقراضی با پرداخت مرتب مواجب و هزینه های جاری این نیرو در تحقق اهداف آن نیرو در پاسداری از خواسته های سیاسی - نظامی روسیه در ایران بیشترین نقش را ایفا کرده است. ۱۰

ویلهلم لیتن که خود در آستانه جنگ جهانی اول در ایران حضور داشت درباره کارنامه سیاسی - نظامی نیروی قزاق و نقش بانک استقراضی در تقویت این نیرو می نویسد: بریگاد قزاق در سال ۱۸۷۹ در تهران تأسیس شد، فرمانده های آن عبارتند از:

۱۸۷۹ دمانتویچ

۱۸۸۲ چرکافسکی

۱۸۸۵ کوسمین کاراواين

۱۸۹۰ شنویر

۱۸۹۶ کاساکوفسکی

۱۹۰۳ چرنوزوبوف

۱۹۰۷ لیاخوف

۱۹۰۹ شاهزاده وادبولسکی

بریگاد قزاق یک نیروی نظامی ایرانی بود که دستورات آن از جانب افسران روسی صادر می‌شد و تحت فرماندهی عالی روسی قرار داشت و سالیانه برای امور خود ۳۴۲/۰۰۰ تومان (برابر تقریباً ۱/۲۰۰/۰۰۰ مارک) دریافت می‌داشت، که در سال ۱۹۱۳ به ۹۰۰/۰۰۰ تومان (در حدود ۳/۵۰۰/۰۰۰ مارک) افزایش یافت. این مبلغ مستقیماً توسط «بانک استقراضی» در ایران از طریق درآمد عوارض گمرک شمال ایران پرداخت می‌شد.

مصرف پول، در اختیار فرمانده گذاشته شده بود و در چگونگی مصرف آن هیچ صورتحسابی به دولت و یا خزانه‌داری ایران ارائه نمی‌شد. تعداد نفرات گارد قزاق شامل ۱۶۰۰ نفر می‌شد، که در سال ۱۹۱۳ به واسطه تأسیس بخشهایی در تبریز، رشت و همدان این تعداد افزایش یافت. کوشش در مورد اینکه از قزاقها به مثابه ژاندارمری راهها در شمال ایران استفاده شود، در اثر مقاومت فرمانده آنان، شاهزاده وادبولسکی به مرحله اجرا در نیامد.

بریگاد قزاق یک نیروی نظامی دربار، رژه و گارد محافظ شاه و فرستادگان روسی بود. در حالی که از بدو تأسیس آن، از سال ۱۸۷۹، هیچ افسر روسی به قتل نرسیده و یا زخمی نشده است. افسران سوئدی که در سال ۱۹۱۱ ژاندارمری ایران را تأسیس کردند، تنها در سال ۱۹۱۴ شش نفر از افسران خود را ضمن خدمت از دست دادند. از نظر اهمیت شغل فرماندهی بریگاد قزاق به مثابه معدن طلا برای دارنده این پست بود، اما افسران بریگاد معمولاً بسیار ساده و بی‌آلایش با این مقام برخورد می‌کردند.

پس از شکست روسیه در سال ۱۸-۱۹۱۷ بریگاد قزاق به دیگر قوای روسی که به خدمت انگلستان در آمدند، ملحق شد. ۱۱

آخرین و باید گفت مهمترین شاهکار نیروی قزاق در ایران شرکت در کودتای انگلیسی سوم اسفند ۱۲۹۹ بود. نیروی قزاق که در سال ۱۲۸۷/ش/۱۳۲۶/ق/۱۹۰۸م (تحت فرماندهی لیاخوف) مجلس شورای ملی ایران را بمباران کرده و با کودتای نظامی بر حیات نوپای مشروطیت ایران (موقتاً) پایان داده بود، با حضور در کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ضربات هولناک‌تری بر مشروطه ایران وارد ساخت. ۱۲

انتهای پیام/

پی نوشت:

---

۱. احمدعلی سپهر (مورخ‌الدوله)، ایران در جنگ بزرگ (۱۹۱۴-۱۹۱۸)، تهران، بی‌نا، ۱۳۳۶، صص ۱۱۹-۱۱۸؛ شاپور رواسانی، دولت و حکومت در ایران در دوران تسلط استعمار سرمایه‌داری. چ ۱، تهران، شمع، بی‌تا، صص ۷۸-۷۹.

۲. حسین آبدیان، اندیشه دینی و جنبش رژی در ایران، چ ۱، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۶، ص ۶۲.

۳. رحیم نامور، برخی ملاحظات پیرامون تاریخ انقلاب مشروطیت، تهران، چاپار، ۱۳۵۷، ص ۹۵.

۴. محمدعلی سیاح محلاتی، خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت، به کوشش حمید سیاح و سیف‌الله گلکار، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۴۶، ص ۵۴۴.

۵. میخائیل پاولویچ و تریا. س. ایرانسکی، انقلاب مشروطیت ایران و ریشه‌های اقتصادی و اجتماعی آن، ترجمه محمدباقر هوشیار، تهران، رودکی، ۱۳۲۹، ص ۱۰۱.

۶. همان، ص ۱۰۸.

۷. Iran political Diaries: ۱۹۶۵-۱۸۸۱ [Volume ۱۴], General Editor: Dr. R. M. Burrell, Research Editor: Robert L. Jarman, Vol. ۴, Archive Editions, ۱۹۹۷, p. ۲۴.

۸. Ibid, vol. ۴, p. ۹۷.

۹. Ibid, Vol. ۲, p. ۲۹۸.

۱۰. برای کسب اطلاعات بیشتر در این باره بنگرید به: تاریخ ارتش نوین ایران، ج ۱، بخش ۱، چ ۱، تهران، ستاد بزرگ ارتشتاران، بی‌تا، صص ۳۸-۳۹؛ میخائیل پاولویچ و تریا. س. ایرانسکی، پیشین، صص ۱۰۱-۹۸؛ ابراهیم تیموری، عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات در ایران، چ ۳، تهران، اقبال، ۱۳۵۷، صص ۳۱۲-۳۰۹؛ سسیل اسپرینگ رایس، نامه‌های خصوصی سرسسیل اسپرینگ رایس، ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی، چ ۱، تهران، موسسه اطلاعات، ۱۳۷۵، ص ۳۴.

۱۱. ویلهلم لیتن، ایران از نفوذ مسالمت‌آمیز تا تحت‌الحمایگی (۱۹۱۹-۱۸۶۰)، ترجمه مریم میراحمدی، چ ۱، تهران، معین، ۱۳۶۷، صص ۱۷۲-۱۷۱.

۱۲. فصلنامه مطالعات تاریخی، س ۷، ش ۲۷، زمستان ۱۳۸۸، صص ۱۷۵-۲۳۵.

منبع: فارس

